

بازی جدید ضلع سوم اصولگرایان

انتخابات مجلس دوازدهم پیچیده تر شد!

تا روزهای گذشته می‌گفتند اصولگرایان دو تکه شده‌اند اما تحولات همین مدت اخیر نشان داد که کار از این گذشته و تا این لحظه به صورت رسمی آنها به سه جریان اصلی تقسیم شده‌اند؛ سه جریانی که بعید نیست طی روزهای آینده به شش جریان افزایش یابند!
رویداد۲۴ در این گزارش به قلم میثم سعادت وضعیت اصولگرایان در آستانه انتخابات مجلس دوازدهم را برری کرده است.

رویداد۲۴ - قابل پیش‌بینی بود که در نبود رقیب جدی در میان اصلاح‌طلبان، اصولگرایان وارد اختلافات درونی شوند. حالا در حالی که بیشتر از سه ماه به انتخابات مجلس باقی مانده است، حداقل سه جریان سیاسی بزرگ در میان اصولگرایان، به فعالیت‌های خود برای انتخابات مجلس آینده سرعت بخشیده‌اند. سه جریانی که بعید نیست طی روزهای آینده به شش جریان افزایش یابند.

منا به جای چمن!

چند روز قبل بود که اصولگرایان در نشست‌ی با نام «مبنا» صحبت از ائتلافی فراگیر در نشست‌ی هشت هزار نفره در کنار مرقد امام خمینی می‌کردند. ائتلافی که قالیباف سخنران اصلی آن بود و طبیعتا قصد داشت ریاست او را به خانه ملت، برای یک دوره دیگر تمدید کند.

نزدیکان قالیباف یک استراتژی مهم را در رفتارها و اظهارات خود رعایت می‌کنند. آن‌ها شدیداً از شکل‌گیری انتخابات درونی اجتناب می‌کنندو اصولگرایانی‌که «مبنا»را قبول نداشته باشند، متمم به وحدت‌شکنی می‌کنند. سایت فردا نیوز و روزنامه صبح نو به عنوان رسانه‌های نزدیک به قالیباف، مرتب فعالیت‌های سیاسی اصلاح‌طلبان را رصد می‌کنند و به اصولگرایان هشدار می‌دهند اگر به دنبال اختلاف باشند، بار دیگر اصلاح‌طلبان به عرصه باز می‌گردند؛ اظهارهایی که سال ۹۲ هم داده شد. قالیباف معتقد است اگر آن دوره حول او ائتلاف شده بود، حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران نشده بود.

جبهه پایداری

گروه دوم، پنجشنبه در تالار آینه نشست خود را برگزار کردند. تالار، متعلق به نهادی مربوط به ائمه جمعه کشور است تا به صورت نمادین، جایگاه جبهه پایداری را معرفی کند. نشست آن‌ها با انتخاب اعضای شورای مرکزی جبهه پایداری ادامه یافت. جریانی که سال ۹۸ تا دقیقه ۹۰ حاضر به ائتلاف نشد و حالا هم نیروهای این جریان با شعارهایی مثل «این بار فرق می‌کند» در حال جرجزخونی برای تیم قالیباف‌هستند.

این جریان خیلی صریح از شورای نگهبان، رد صلاحیت و جریان خالص‌سازی دفاع



کرد. ترکیب اعضای شورای مرکزی جبهه پایداری، مملو است از دانشجویان سابق بسیج دانشجویی یا تشکل‌های همسو. در واقع کادرسازی آن‌ها بین نیروهای جوان، گمنام و البته تشکیلاتی به وسعت دانشگاه‌های ایران، برگ برنده مهمی است که نمی‌توان به این سادگی از کنار آن گذشت.

جریان تحول‌خواهان

سال ۹۲، زاکانی خود را نامزد جریان تحول‌خواهان معرفی کرد. وقتی که صلاحیت او احراز نشد، ریاست ستاد حدادعادل را بر عهده گرفت. همین دو نفر، سخنرانان مراسم تحول‌خواهان بودند که گویا انتخابات اعضای شورای مرکزی آن هم برگزار شده است، اما تا این لحظه، ترکیب اعضا رسانه‌ای نشده است.

سال ۹۴ این جریان سیاسی برای انتخابات خیرگان از فهرست اصلی اصولگرایان حمایت نکرد و لیست دیگری منتشر کرد که هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی در آن قرار نداشتند. سال ۹۵ هم، آن‌ها اعلام کردند زاکانی و نادران نامزدهای اولیه آن‌ها برای انتخابات ریاست جمهوری هستند. آن‌ها سال ۹۹ نیز مجوزهای قانونی را براری تبدیل شدن به یک جبهه دریافت کردند. اما تولد این جریان جدید چه پیامی دارد؟

زاکانی، چهره جدید یک رهبر کاریمز؟

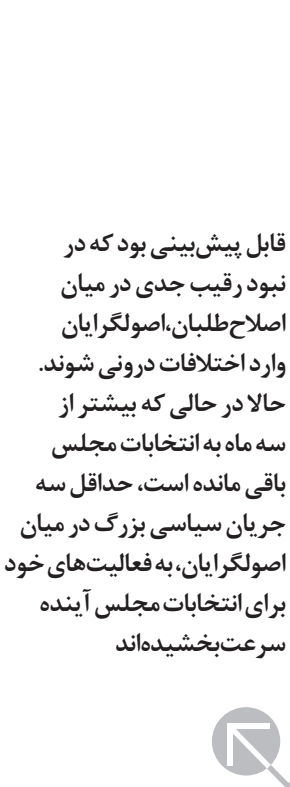
فرمانده بسیج دانشجویی در تحولات کوی



دانشگاه، یکی از مهمترین چهره‌های سیاسی ایران است. او هم مثل دو شهردار سابق اصولگرای تهران، احمدی نژاد و قالیباف، به صندلی شهرداری راضی نیست. اگرچه این ائتلاف به دور از خط و نشان‌های همیشگی بوده و به نظر می‌رسد آن‌ها قصد گرفتن صندلی‌های بیشتر در ائتلاف مبنا و جبهه پایداری را دارند، اما این فعالیت‌ها می‌تواند در بزنگاه‌هایی مثل انتخابات ریاست جمهوری اثرگذار باشد. زاکانی یک بار در سال ۹۲ با قالیباف رقابت کرده است و با وجود رد صلاحیت، به قالیباف رای نداد و سال ۱۴۰۰ هم تایید صلاحیت خود را از شورای نگهبان گرفت. او سال‌های سال است که رویای ریاست جمهوری دارد و بسیاری از کنشگری‌های سیاسی او را می‌توان در این بستر ارزیابی کرد.

اختلافات اصولگرایی

خط و نشان جبهه پایداری و جریان تحول‌خواهان برای جریان اصلی اصولگرایان، سایر جریان‌های کوچک‌تر را هم به فکر انداخته است که برای حفظ و ارتقای سهمیه خود از فهرست‌های انتخاباتی مجلس دست به کار شوند. همزمان با اتفاقات هفته گذشته، حسن بیادی رئیس ستاد انتخابات شورای وحدت تهران بزرگ با ارسال نامه‌ی به دبیران کل احزاب و تشکل‌های عضو شورای وحدت، تشکیل ستاد انتخابات این تشکل سیاسی



دانشگاه، یکی از مهمترین چهره‌های سیاسی ایران است. او هم مثل دو شهردار سابق اصولگرای تهران، احمدی نژاد و قالیباف، به صندلی شهرداری راضی نیست. اگرچه این ائتلاف به دور از خط و نشان‌های همیشگی بوده و به نظر می‌رسد آن‌ها قصد گرفتن صندلی‌های بیشتر در ائتلاف مبنا و جبهه پایداری را دارند، اما این فعالیت‌ها می‌تواند در بزنگاه‌هایی مثل انتخابات ریاست جمهوری اثرگذار باشد. زاکانی یک بار در سال ۹۲ با قالیباف رقابت کرده است و با وجود رد صلاحیت، به قالیباف رای نداد و سال ۱۴۰۰ هم تایید صلاحیت خود را از شورای نگهبان گرفت. او سال‌های سال است که رویای ریاست جمهوری دارد و بسیاری از کنشگری‌های سیاسی او را می‌توان در این بستر ارزیابی کرد.

اصولگرا را اعلام کرد.

شورای وحدت، نام جدید اصولگرایان سنتی به رهبری مولفنه اسلامی، جامعه روحانیت مبارز و جامعه باهنر مهندسان است. تا امروز، محمدرضا باهنر مهمترین چهره اصولگرایی بوده که در مجلس حضور ندارد و مصطفی میرسلیم هم یکی از شناخته شده‌ترین چهره‌هایی بود که نه با قالیباف رفاقت کرد و نه با ابراهیم رئیسی. همین‌ها نشانه روشنی است که جریان سنتی، دل خوشی از رئیس جمهور و رئیس مجلس ائتلاف نواصولگرایان ندارد. گرچه برخی اصولگرایان سعی دارند باهنر را به لاریجانی گره بزنند، اما در نهایت شکی نیست که باهنر می‌تواند صحنه سیاسی را به شکل دیگری رقم بزند.

اصلاح دیگر اصولگرایان

ریان اصولگرا دو ضلع دیگر هم دارد؛ احزاب و چهره‌های نزدیک به محسن رضایی از یک طرف و احزاب و چهره‌های نزدیک به احمدی‌نژاد (ائتلاف بهاری‌ها و عدالت‌خواهان) از یک طرف دیگر. اولی گویا منتظر فرصت است و دومی نگران رد صلاحیت. اما هر دوی این جریان‌ها در حوزه‌های مختلف انتخاباتی هم نفر دارند و هم پایگاه اجتماعی و اثرگذاری آن‌ها در انتخابات بعید نیست. گرچه فعلا خبری از فعالیت‌های سیاسی آنان به گوش نمی‌رسد.

اخبار

اسرائیل، مزاحم حتی برای آمریکا

ادامه از صفحه یک

در عین حال رای مثبت فرانسه و رای منتع انگلیس که هر دو شریک جرم رژیم اشغالگر هستند، نیز حکایت از همسویی این دو کشور با آمریکا در نوع تعامل با اسرائیل دارد. در واقع جنایات غیرانسانی و نسل کشی رژیم صهیونیستی که با یورش به بیمارستان‌های غزه به اوج خود رسید،دیگر حتی برای رژیم های بیرحم همچون آمریکا،انگلیس و فرانسه نیز نمی تواند قابل دفاع باشد.

۲.رویکرد کاهش هزینه های مالی،نظامی و حیثیتی آمریکا در حمایت از اسرائیل از دوران ریاست جمهوری اوپاما آغاز شده است.اوپاما در سفر به سرزمین های اشغالی در سال ۲۰۱۱ علنا از اسرائیل خواست تا با همسایگان خود تعامل کرده و از آسیب های امنیتی خود بکاهد.این سخن اوپاما،راهبرد آمریکا برای تبدیل اسرائیل به یک واحد سیاسی مستقل در غرب آسیا با حداقل وابستگی به آمریکا را علنی ساخت.این رویکرد در دوره ترامپ نیز بطور جدی دنبال شد و آمریکا در عین حمایت همه جانبه از اسرائیل،برای کاهش هزینه های خود در خاورمیانه سعی کرد با طرح پیمان ابراهیم و اعمال فشار بر اعراب برای عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر، وابستگی اسرائیل به آمریکا را کاهش دهد.ترامپ در برنامه خود،چین را دشمن اول آمریکا دانست و نشان داد که قصد دارد حضور خود در شرق آسیا را تقویت و مشارکت پُرهزینه خود در غرب آسیا را کاهش دهد. جو بایدن هم با خروج از افغانستان و تمرکز بر چین و روسیه، تمایل خود به کاهش هزینه در غرب آسیا را بروز داد.این تحولات حاکی از این است که راهبرد مشترک دو حزب جمهوریخواه ودموکرات این است که برای حفظ نظام تک قطبی با مهار چین و روسیه، اجازه تقویت چندجانبه گرایی را ندهند. برای رسیدن به این راهبرد،لازم است که هزینه های حمایت از اسرائیل در غرب آسیا کاهش یافته و این رژیم بتواند در سازش با همسایگان،هزینه های امنیتی خود را کاهش دهد.

۳.سرمدمداران اسرائیل که بتدریج متوجه کاهش انگیزه آمریکا برای حضور پرهزینه در خاورمیانه و تمرکز کاخ سفید به مهار روسیه و چین شده بودند،در صدد تدابیری برای حفظ آمریکا در این منطقه شدند.پرهیز برای پذیرش طرح دو دولت و برهم زدن بازی آمریکا،نایز به یک جنگ داشت چرا که با وقوع جنگ،آمریکا نمی توانست حمایت خود برای تامین امنیت رژیم اشغالگر را کاهش دهد.با حضور نتانیاهو به عنوان یک فرد افراطی و بیرحم در مسند نخست وزیری اسرائیل،انتظار می رفت فشارهای این رژیم بر مردم فلسطین بخصوص در غزه تا وقوع یک جنک فراگیر دنبال شود. حمله ناجوانمردانه به جنین و کشتار بیرحمانه آوارگان فلسطینی،حملات متناوب و مستمر به اهالی کرانه باختری و غزه،هنگ حرمت بی سابقه به مسجد الاقصی،تحریک عناصر هتاک به قران در دانمارک برای تحریک مسلمانان و ... اقدامات مقدماتی نتانیاهو برای حمله به غزه و کرانه باختری بود.همین اقدامات موجب دفاع پیشدستانه مجاهدین فلسطینی درچراچوب یک اقدام بازراننده شد و خسارات غیرقابل ترمیم به اسرائیل وارد کرد.

۴.جنگ غزه موجب شد که بایدن پس از سه سال سرسنگینی با نتانیاهو،برای نمایش حمایت خود از رژیم اشغالگر به تل آویو برود و مدیریت جنگ را در اوضاع نابسامان اسرائیل به عهده گیرد.جنایات اسرائیل در غزه، موضوع ساخت. آمریکا نیز با پرداخت هزینه سنگین مالی و آوردن نیرو و کشتی جنگی به مدیترانه،شریک اول جنایات اسرائیل شد.چالب اینکه اروپا در پرداخت هزینه های جنگ با آمریکا همراه نشدو تلویحا همانگونه که آمریکا هزینه جنگ اوکراین را به گردن اروپا میگذارد،اروپایی ها نیز پرداخت هزینه برای تامین امنیت اسرائیل را وظیفه آمریکا دانستند.اینگ کاخ سفید احساس می کند که بازنده جنگ غزه است چون در کنار پرداخت هزینه های سنگین جنگ،بخاطر جنایات اسرائیل،هزینه های سنگین حیثیتی نیز متحمل شده است.از سوی دیگر جنگ غزه،راهبرد آمریکا برای مقابله با چین و روسیه را دچار اختلال کرد و به این دوکشور فرصت داد تا از درگیری آمریکا در جنگ غزه بیشترین بهره برداری را برای تحقق اهداف خود بنمایند.

۵.امروز آمریکا در کنار حمایت از اسرائیل به این رژیم به عنوان یک مزاحم نگاه می کند.بایدن علیرغم ژست های ژورنالیستی در حمایت از رژیم صهیونیستی،نه تنها از نتانیاهو راضی نیست بلکه او را مسبب ناکامی های طرح های راهبردی آمریکا می داند. شاید تئوریسین های آمریکا به بایدن گفته باشند که فلسطین و حماس خواهند ماند و ریشه جریان نتانیاهو خواهد خشکید و نباید روی اسب بازنده شرط بندی کرد. رای ممتنع آمریکا به قطعنامه اخیر شورای امنیت بطور سرسپته می گوید که آمریکا دیگر نمی تواند بدون قید و شرط از اسرائیل حمایت کند. مقاومت شجاعانه و صبورانه اهالی غزه و حمایت های جهانی از آرمان آزادی فلسطین،راه دیگری باقی نگذاشته جز اینکه جهان به برگزاری همه پرسی در سرزمین های اشغالی رضایت دهد. اگر بیرون تفکر رو به زوال لیبرال دموکراسی برای آرای مردم اهمیت قائل هستند،باید زمینه مراجعه به آرای عمومی در سرزمین های اشغالی را با حضور مسلمانان،مسیحیان و یهودیان،برای تعیین نظام آینده فراهم کنند. امروز دیگر صحبت از طرح دو دولت برای حل مشکل غرب آسیا جواب نمی دهد؛تجربه روند چگونگی فروپاشی رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی پیش روی جهانیان است.سایههوستان این کشور پس از سالها مقاومت و تقدیم صدها شهید،نهائیا حامیان رژیم ژئادپرست را متقاعد به برگزاری همه پرسی کردند و رژیم آپارتاید به پایان خود رسید.این سرنوشته قطعا در سرزمین های اشغالی هم رقم خواهد خورد و چه بهتر که آمریکا و اروپا برای دفاع از حیثیت برباد رفته خود و برای حفظ بقایای لیبرال دموکراسی،مراجعه با آرای عمومی در سرزمین اشغالی را به دفاع از عنصری مزاحم به نام اسرائیل ترجیح دهند.

اخبار

دهقان مطرح کرد

آخرین وضعیت پیگیری مطالبات ارزی از بحرین و کره جنوبی



معاون حقوقی رئیس‌جمهور گفت: از سال ۱۴۰۱ تا اوایل ۱۴۰۲ هفت لایحه را تقدیم مجلس کردیم تا برای اقامه دعوی مطالبات ارزی از کشورهای دیگر اجازه بگیریم.

محمد دهقان معاون حقوقی رئیس جمهور درباره مطالبات ارزی ایران از برخی کشورها گفت: از سال ۱۴۰۱ تا اوایل ۱۴۰۲ هفت لایحه را تقدیم مجلس کرده‌ایم تا برای اقامه دعوی و ارجاع به دایره مطالباتمان از کشورهای دیگر اجازه بگیریم و منتظریم مجلس بعد از برنامه هفتم تصویب این لوائح را تسریع کند. معاون حقوقی رئیس‌جمهور افزود: چند مکاتبه هم با رئیس مجلس داشتیم تا این اقدام به سرعت پیش رود و بتوانیم طبق قانون موضوع را به دایره ارجاع دهیم و دعایو ما انجام شود. وی درباره کشورهایی که هنوز بدهی کشورمان را وصول نکرده‌اند، گفت: بحرین، کره‌جنوبی و برخی دیگر از کشورها در این لیست حضور دارند.

رئییسی در مراسم افتتاح بیمارستان امام خمینی (ره) شهریار:

نهضت به اتمام رساندن پروژه‌های نیمه تمام در حال انجام است



رئیس‌جمهور گفت: نیاز کشور به سلامت روشن است و از ابتدا اعلام کردیم نهضت به اتمام رساندن پروژه‌های نیمه تمام در حال انجام است.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور کشورمان صبح امروز در مراسم افتتاح بیمارستان ۳۱۳تخت‌خوابی امام خمینی (ره) شهریار گفت: این روزها بسیار محزون هستیم نه فقط ما بلکه ملت‌های جهان آن هم به‌دلیل حوادث تلخی که در غزه اتفاق می‌افتد.

وی ادامه داد: اینجا که مرکز بیمارستانی است باید یاد تمام پرستاران، پزشکان شهید و کادر درمانی شهید در غزه که از بیماران پذیرایی می‌کردند تجلیل کنم و به ارواحشان درود بفرستم.

رئیس‌جمهور بیان کرد: کادر درمانی غزه یک مجاهدت ویژه داشتند و این مجاهدتشان نزد خدوند و در تاریخ مجاهدات فلسطین ثبت

قالیباف:

باید به نوسازی مدارس در برنامه هفتم توجه شود

رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به تذکر یکی از نمایندگان مبنی بر عدم توجه به نوسازی مدارس در لایحه برنامه هفتم توسعه گفت: این موضوع نکته مهمی است و متأسفانه ما تاکنون در برنامه هفتم توسعه به آن نپرداختیم و لازم است برای آن چاره‌اندیشی شود.

به گزارش ایسنا، جبار کوچکی‌نژاد در تذکری شفاهی در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی بیان کرد: در برنامه های پنجم و شم توسعه در هر برنامه، حدود سه میلیارد دلار ارز از صندوق ذخیره ارزی به سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور کمک شد اما در برنامه هفتم توسعه یک ریال نیز برای سازمان نوسازی و تجهیز مدارس اختصاص پیدا نکرده است.

